

ORIGINAL ARTICLE

A comparative study of the interpretive foundations of Ayatollah Khamenei and Seyyed Qutb

Zahra Mansouri^{1*}, Seied Abdorasoul Hosseinizadeh²

1. University of Sciences and Education of the Holy Quran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor of the Holy Quran University of Sciences and Education, Tehran, Iran.

Correspondence:
Zahra Mansouri
Email: z.mansury@gmail.com

Received: 31 May 2021
Accepted: 25 Nov 2023

How to cite

Mansouri, Z. & Hosseinizadeh, S.A. (2023). A comparative study of the interpretive foundations of Ayatollah Khamenei and Seyyed Qutb. Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 12(1), 129-140. (DOI:[10.30473/quran.2024.59350.2968](https://doi.org/10.30473/quran.2024.59350.2968))

ABSTRACT

The commentators have interpreted the Qur'an according to their own principles, some of which are common among the commentators and some are specific to one or more commentators. Ayatollah Khamenei has interpreted the Qur'an for many years with an emphasis on social issues; Sayyid Qutb also tries to show a way to create a society based on Islam by emphasizing the same tendency in the interpretation of "Fi Zalal Al-Quran". Although these two commentators have commonalities in general interpretive principles, there is a fundamental difference in how the principles are applied in their works. The present study, in a comparative-analytical method, while pointing out the commonalities of the two commentators in the basics, talks about their different principles and bases, in order to find the differences between the interpretive views of the two in comparative comparisons and analysis. Examining the interpretations received from both commentators, it can be seen that both have similar views on the use of narrations, belief in the miracle of the Qur'an, and the use of the means of revelation, history, and manners, but there is a clear difference in how they are used and how much they are used. There is between them; In addition, they have completely different views on the authority or non-authority of the sayings of the Companions and their followers and the abrogation of the Qur'an.

KEYWORDS

Comparative Interpretation, Khamenei, Seyyed Qutb, Fundamentals of Interpretation, Interpretive Tendency.



پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی بیست و سوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (۱۴۰-۱۲۹)

DOI: 10.30473/quran.2024.59350.2968

«مقاله پژوهشی»

بررسی تطبیقی مبانی تفسیری آیت الله خامنه‌ای و سید قطب

زهرا منصوری^۱، سید عبدالرسول حسینی زاده^۲

چکیده

مفسران براساس اصول و مبانی خویش به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، که برخی از آن مبانی بین مفسران مشترک و برخی مختص یک یا چند مفسر است. آیت‌الله خامنه‌ای در طی سالیان متمادی با تأکید بر مباحث اجتماعی به تفسیر قرآن پرداخته‌اند؛ سید قطب نیز با تأکید بر همین گرایش در تفسیر «فی ظلال القرآن» سعی در نمایاندن راهی برای ایجاد جامعه‌ای برپایه دین اسلام دارد. این دو مفسر گرچه در مبانی کلی تفسیری، اشتراکاتی دارند ولی اختلاف اساسی در نحوه‌ی بکارگیری مبانی در آثار آنها نمود دارد. پژوهش حاضر به روش تطبیقی-تحلیلی ضمن اشاره به وجوه اشتراکات دو مفسر در مبانی، از اصول و مبانی اختلافی آنها سخن می‌راند، تا در مقایسه‌ای تطبیقی و تحلیل بین تفاوت سبک‌ها، اختلاف دیدگاه‌های تفسیری هر دو را بیابد. از بررسی تفاسیر رسیده از هر دو مفسر، می‌توان دریافت که هر دو در بهره‌گیری از روایات، باور به اعجاز قرآن و بهره‌گیری از اسباب نزول و تاریخ و سیره، نظرات مشابهی دارند، ولی در نحوه‌ی بکارگیری آنها و میزان استفاده از هریک از آنها تفاوت آشکاری بین آنها وجود دارد، بیان موارد مشابه و متفاوت در هر قسمت آورده شده است؛ علاوه بر آن در حجیت یا عدم حجیت اقوال صحابه و تابعین و نسخ قرآن دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی دارند.

واژه‌های کلیدی

تفسیر تطبیقی، خامنه‌ای، سید قطب، مبانی تفسیر، گرایش تفسیری.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

زهرا منصوری

رایانامه: z.mansury@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

استناد به این مقاله:

منصوری، زهرا و حسینی زاده، سید عبدالرسول (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی مبانی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای و سید قطب. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۲(۱)، ۱۴۰-۱۲۹.
(DOI:10.30473/quran.2024.59350.2968)



و تألیف چند اثر نیز همت گماشت. بسیاری از آراء و اندیشه‌های ایشان که در قالب پیام، سخنرانی، خطبه، مصاحبه منعکس شده است به‌صورت کتاب و نرم‌افزار با عناوین گوناگون و به‌صورت موضوعی منتشر گردیده است. نیز، بخشی از مجموعه بیانات و مکتوبات ایشان در دوره رهبری با عنوان «حدیث ولایت» منتشر گردیده است. (رک: www.khamenei.ir، بخش زندگی‌نامه)

ب) سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی

سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی (۱۳۲۴-۱۳۸۷ ق/ ۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) فارغ‌التحصیل دانشکده دارالعلوم، مدرس مدارس وزارت معارف، از ادیبان برجسته و از اندیشمندان و اصلاح‌گران بزرگ معاصر مصر است. از وی مقالات و کتاب‌های بسیاری برجای مانده است؛ تفسیر فی ظلال القرآن از مهمترین آثار اوست. (رک: www.wikifeqh.ir)

مبانی مشترک آیت‌الله خامنه‌ای و سیدقطب

تفاسیر موجود از دو مفسر، حاکی از وجود اشتراکاتی در مبانی ایشان است و اکثر مفسران در اتخاذ برخی از مبانی تفسیری مشترک هستند، اما بررسی وجوه و نحوه‌ی اشتراک مبانی، اختلافات را نیز پدیدار می‌کند؛ زیرا ممکن است مفسران در به‌کارگیری و اصول اولیه استفاده از مبانی دارای وجوه اختلافی نیز باشند.

حجیت ظواهر قرآن

قرآن کریم به زبانی ساده و همه فهم نزول یافته است و آنچه که از ظاهر قرآن دریافت می‌شود هدف پرودگار و قابل اعتماد بوده است و می‌توان در موقع احتجاج و استدلال از آن استفاده کرده و به آن عمل نمود، مبنا قرار دادن معانی ظاهری قرآن «حجیت ظواهر قرآن» نامیده می‌شود. (خویی، ۱۳۷۱: ۳۲۸) ولی گروهی از علمای حدیث منکر این حقیقت هستند و معتقدند شاید هدف خداوند غیر از آن باشد که از ظاهرش برمی‌آید و ظواهر قرآن حجیت نداشته و قابلیت عمل ندارد. (همان: ۲۶۵)

مبنای حجیت ظواهر قرآن مورد قبول عموم مفسران است (رک: خویی: ۲۶۱-۲۷۰) پذیرش این مبنا مبتنی بر پذیرش امکان فهم قرآن است، ولی برخی با تکیه بر ظواهر برخی روایات، اعتقاد به عدم امکان فهم قرآن دارند (طوسی: ۴-۷؛ آخوند خراسانی: ۲۰۱/۳-۲۱۴؛ حرعاملی: ۱۴۱/۱۸-۱۴۲) و برخی نیز با استناد بر

مقدمه

قرآن کریم وحی منزل از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها به سوی کمالات و خوبی‌هاست. خداوند متعال، در قرآن کریم وظیفه‌ی تبیین آیات را برعهده‌ی پیامبر اکرم(ص) گذاشته (نحل/۴۴ و ۶۴) و ایشان به عنوان اولین مفسر قرآن کریم از سوی حضرت حق منتخب شده‌اند، طبق دیدگاه شیعه، پس از پیامبر(ص) وظیفه‌ی تبیین آیات قرآن کریم برعهده‌ی امامان معصوم(ع) است؛ ولی طبق دستور قرآن کریم بر تدبر و تعمق در آیات الهی(یوسف/۲) تفسیر قرآن و برداشت از آیات برطبق مبانی و قواعد مشخص، از ملزومات دریافت و درک هدف الهی است.

مقصود از مبانی در این پژوهش، باورها و پیش‌فرض‌های مفسر در مواجهه با قرآن کریم است، هر مفسری با مبنا قرار دادن اصول و علومی به تفسیر قرآن کریم می‌پردازد. (نجازادگان، ۱۳۹۰: ۹) برخی مبانی بین مفسران شیعه و اهل سنت مشترک و برخی نیز اختلافی است، اختلاف مبانی سرآغاز اختلاف در رویکردها و روش‌ها و در نتیجه اختلاف در فهم آیات و تفسیر از آنهاست.

مبانی برخی از مفسران، توسط پژوهشگران مختلف، به‌صورت تطبیقی یا اختصاصی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و هر محقق برطبق نیازی که به آن توجه داشته، مفسر و تفسیر مشخصی را برای بررسی انتخاب نموده است، در مورد سیدقطب و جهت‌گیری‌های ادبی، سیاسی و قرآنی وی، مقالات فراوانی نوشته شده است، اما در مورد مبانی تفسیری وی، دو پایان‌نامه با عناوین «تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سیدقطب در فی ظلال» اثر کرم سیاوشی و «بررسی و نقد مبانی و روش تفسیری سید قطب» نوشته حسین شریفی نگارش یافته است؛ روش‌ها و مبانی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای نیز در کتاب تفسیر سوره‌ی براءت ایشان، تحت عنوان مبانی، روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در صفحات اولیه کتاب مورد بررسی قرار گرفته است؛ وجه تمایز این پژوهش با موارد یاد شده و دیگر پژوهش‌ها در زمینه‌ی این موضوع، مقایسه‌ی اصول تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای و سید قطب و بیان نقاط اشتراک و افتراق آنهاست، موضوعی که با بررسی‌های انجام‌شده هیچ مقاله‌ای با عنوان پژوهش پیش‌رو یافت نگردید.

معرفی مفسران

الف) آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

وی پس از دوره دبستان وارد حوزه علمیه شد و از همان دوران طلبگی تحقیق و تألیف را آغاز کرد. قبل از پیروزی انقلاب به ترجمه

عدم قرینه‌ی خلاف در برداشت از ظواهر آیات، اعتقاد به حجیت ظواهر آیات قرآن دارند.

آیت‌الله خامنه‌ای همچنان که قرآن را ذی‌بطون می‌داند، ولی در عین حال فهم ظاهر قرآن را دارای عمومیت می‌داند به شرطی که در آیات، دقت و تدبر شود؛ اما بواطن قرآن را همان تأویل آیات دانسته و فهم آن را مختص بندگان خاص الهی می‌داند. (رک: بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۰۵/۲۱)

به نظر ایشان ظواهر قرآن نیز دارای سطوح و لایه‌های مختلف است، به همین جهت همگان سطح دریافت یکسانی از ظواهر آیات ندارند و برای نمونه به آیه «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) اشاره می‌فرمایند که: «خب عاقبت - پایان کار - یعنی چه؟ پایان کار متعلق است به متقین؛ هم پایان کار دنیا متعلق به متقین است، هم پایان کار آخرت متعلق به متقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود متعلق به متقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید بر دشمن پیروز بشوید باید متقی باشید. ببینید! {اگر} دقت بکنید، {ببینید} عاقبت مال متقین است؛ این را یک خرده عمق پیدا کنیم، دقت پیدا کنیم، از جمله نگذیریم... بَاطِنُهُ عَمِيقٌ؛ این عمق را هرکسی به اندازه‌ی توانایی خودش، به اندازه‌ی آگاهی‌های خودش، مطالعات خودش، فهم و هوش خودش، می‌تواند پیش برود؛ همه به یک اندازه پیش نمی‌روند.» (۱۳۹۸/۰۲/۱۷) بیانات در دیدار قاریان قرآن) عواملی مانند روش تدبر در آیات، ظرفیت‌های معنوی مخاطب، میزان اطلاعات علمی و تجربی مخاطب سبب دریافت‌های نامهمسان از آیات می‌گردد؛ این به دلیل اصل جاودانگی قرآن و پاسخگویی آن به نیازهای بشری در طول اعصار مختلف است، البته در جایی که براهین عقلی معتبر برخلاف ظواهر آیه ارائه گردد، بایستی آیات قرآن کریم را برخلاف ظاهر حمل کرد. (۱۳۸۰/۰۶/۲۸) بیانات در دیدار حافظان و قاریان)

سید قطب قرآن کریم را فرقان و جداکننده‌ی بین حق و باطل می‌داند که اصول دقیقی دارد، وی بر این پایه تکیه دارد که مدلولات قرآن مفاهیم، مقاصد و اهداف قابل درک است (سید قطب، ۱۴۰۶: ۱/۳۶۹)؛ نظر به اینکه مدلولات قرآن را از طریق مفاهیم قابل درک می‌داند، مشخص می‌نماید که بر حجیت ظواهر قرآن معتقد است. «به اعتقاد سید قطب، پیشرفت‌های علوم به شرط قطعیت و موافقتشان با ظواهر قرآن، برای فهم بهتر و بیشتر آیات قرآن و کشف معانی و حقایق مجهول آن، نه تنها مفید بلکه ضروری است.» (سید قطب: ۱/۱۸۳)

هر دو مفسر قائل به حجیت ظواهر قرآن هستند، ولی آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر این، ظواهر آیات را نیز دارای لایه‌ها و سطوح مختلف می‌داند که افراد طبق ظرفیت و توانایی خود و به شرط تدبر در آیات، توان برداشت‌های مختلف از آیات دارند.

تناسب آیات

آیات قرآن که در مراحل متفاوت زمانی و مکانی، نازل شده، هر بخشی از آن، مربوط به حادثه خاصی بوده و لکن مجموع آیات، در ارتباط باهم و برای هدف واحدی نازل گردیده است. تناسب بین آیات امری است که هرکس، قرآن را با دقت مطالعه نماید، روابط بین آنها را درمی‌یابد، گرچه که در مواردی بین آنها رابطه تضاد باشد. هر سوره دارای یک وحدت موضوعی است که آن را از دیگر سوره‌ها جدا نموده است و هر سوره دارای آغازی و پایانی نیکو می‌باشد. (مؤدب، ۱۳۷۹: ۱۵۵)

بررسی تفاسیر منتشر شده از آیت‌الله خامنه‌ای حاکی از این است که این مبحث به‌طور گسترده‌ای مورد توجه ایشان بوده است، سوره برائت که مفصل‌ترین درس تفسیری ایشان محسوب می‌شود، بر این اساس مورد تبیین و تدبر قرار گرفته است. به نظر ایشان در عین اینکه یک سوره دارای موضوعات متعدد و تفاوت مضمونی هست؛ ولی موضوعات یک سوره کاملاً به هم پیوسته و مرتبط هستند؛ ذیل آیه «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً وَ لَآ كِنَ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَتَبَطَّحَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَعْدِينَ» (توبه/۴۶) این آیه و چند آیه قبل و بعدش را مربوط به حالات منافقان معرفی نموده و به پیوستگی سوره در عین تفاوت مضمونی اشاره می‌کند. (همان: ۳۰۹) ایشان اغلب سور قرآنی را دارای موضوع محوری می‌داند که همه آیات سوره حول آن می‌چرخند (بیانات در بیان تفسیر سوره تغابن، ۱۳۶۲/۰۸/۰۵) در بیان آیات ۲۵-۲۶ سوره برائت، هریک از آیات سوره را مرحله‌ای برای رسیدن به هدف سوره می‌داند. (خامنه‌ای: ۱۷۳)، بر این اساس هر سوره دارای دسته‌بندی‌های مختلفی است، آیاتی که در هر دسته قرار می‌گیرد و هر کدام از دسته‌ها، مخاطب را برای دریافت هدف سوره و غرض واحد آن یاری می‌کنند و مرحله به مرحله، غرض واحد سوره را بیان می‌دارند.

تناسب آیات در تفسیر سید قطب نیز نمود دارد و او در تفسیرش، عملاً به این روش پایبند بوده است. ایشان ضمن ادعای اینکه نه تنها سوره‌های قرآن هدفمند هستند، بلکه کل جملات، کلمات و قصص قرآن هدفمند بوده و در خدمت هدف و غرض واحد سوره

شواهد تاریخی رد کرده‌اند و با استناد به روایت قطعی السند در تفسیر نور الثقلین قرائت مشهور و متواتر را صادر شده از جانب اهل بیت(ع) می‌دانند (همان/۵۲۰). در صورت وجود قرائت‌های مشهور متعدد، به نظر ایشان قرائتی ترجیح دارد که اشتهاً بیشتری داشته باشد و قرائت حفص از عاصم این ویژگی را دارد، اگرچه یادگیری و تلاوت دیگر قرائات نیز مطلوب است. (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷) از نظر آیت‌الله خامنه‌ای اغلب موارد اختلاف قرائات، اختلاف در لهجه‌هاست و در جاهایی که به ندرت اختلاف در حروف نیز وجود دارد، معنای آیه یکی است. (بیانات در جلسه سوم تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۰/۰۱/۲۰)

علمای اهل سنت غالباً معتقد به حجیت قرائات سبع هستند، اعتقادات سید قطب نیز مجزا از آنها نیست ولی در فی ظلال، اثری از پرداختن به اختلاف قرائات، دلایل و مستندات وجوه اختلاف قرائات نیست. (ابراهیمی، ۱۳۹۵)

مفسران مورد بحث در عین اینکه معتقد به حجیت قرائات سبع هستند اما شرطی که آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر اشتهاً و تواتر برای پذیرش قرائات دارند، تفاوت در تفاسیر رسیده از هر دو مفسر را نتیجه می‌دهد.

اعجاز قرآن

قرآن بزرگترین عامل هدایت انسان‌ها در تمامی شئون و تکمیل‌کننده و تعالی‌بخش نیروها و استعدادهای نهاده شده‌ی فطریات بشری است که غیر از جانب خدا نمی‌تواند صادر شود، چرا که عقل و قدرت بشر توان برآوردن چنین رسالت عظیم را ندارد، تنها آیینی که توان ارائه‌ی چنین قوانین و حکمت‌های متعالی را دارد دین اسلام است که قوانین را در قرآن کریم به بشر ارائه داده و خود در آیاتش بیانگر اعجاز والا‌یش هست: **قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً (اسرا/۸۸)**؛ (رک: رادمنش، ۱۳۷۴: ۳۵-۳۴)

از لوازم فهم قرآن و تفسیر آیات الهی اعتقاد به اعجاز قرآن کریم و الهی بودن آن است، در صورتی تفسیر ارزش می‌یابد که مفسر به این دو مؤلفه پایبند بوده و اساس اعتقادی وی را تشکیل دهد، چرا که اعتقاد به معجزه بودن قرآن، انگیزه‌ی رسیدن به مقصود الهی را در مفسر برمی‌انگیزد.

آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر پذیرش اعجاز قرآن کریم، آن را شامل دو بُعد معنایی و بیانی می‌داند. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶) کارکرد اعجاز بیانی که شامل الفاظ، آهنگ و سبک

قرار گرفته‌اند. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۱۸۵۱/۴) وی اغراض و اهدافی را برای سوره‌های قرآن بیان می‌کند، برای نمونه محوریت سوره بقره را تقوا، سوره نساء مسائل مرتبط با زوجین، سوره مائده اقامه‌ی حکومت، سوره شعراء عقاید اسلامی، سوره محمد قتال با کفار و مشرکین، سوره سبأ اصول عقاید و می‌داند. (همان: ۳۷/۱؛ ۲۰۴/۲؛ ۶۲۳/۲؛ ۱۸۹/۶، ۴۳۷/۷) به نظر وی، هر سوره دارای موضوعات متعدد و متنوع است و رابط بین آنها هدف اصلی سوره است. (همان: ۲/ ۸۲۵)

از سوی دیگر، سید قطب نه تنها سور قرآن را دارای موضوع واحد می‌داند بلکه از نظر وی، هر کدام از سور قرآنی دارای شخصیت واحدی هستند و اقتضای این شخصیت خاص و واحد این است که موضوعات در یک سوره تجمع شده و حول محور سوره، در یک نظام خاصی که مختص آن است تنظیم شوند. (سید قطب: ۵۵۵/۱) از سوی دیگر در ابتدای سوره مائده، با اشاره به موضوعات نزدیک به هم در این سوره و سور پیشین، شخصیت هر سوره را ویژه‌ی همان سوره می‌داند و حتی اگر سوره‌های مختلف، موضوعات مشابهی را در خود جای بدهند و از زوایای مختلف بررسی شوند، به شخصیت منحصر به فرد تک تک سور آسیبی وارد نمی‌کند. (همان: ۱۰۱۵/۲)

اگرچه جهت‌گیری هر دو مفسر در بیان تناسب آیات و سور همانند است، اما از نظر سید قطب، موضوعات هریک از سور قرآنی زیرمجموعه‌ای از شخصیت کلی سوره است که ذیل آن و حول محور خاص سوره قرار گرفته‌اند.

حجیت قرائات سبع

قرائت‌های مختلفی از سوی قاریان قرآن کریم ارائه شده است، مسئله‌ای که وجود دارد تواتر قرائات سبع است که آیا متواتر هستند یا خیر؟ اگر قرائات متواتر باشند در حجیت آنها تردیدی وجود نخواهد داشت، برخی مفسران معتقد به تواتر و در نتیجه حجیت قرائات بوده و برخی دیگر نیز آنها را متواتر و دارای حجیت ندانسته و قائل به حجیت قرائت مشهور بین مسلمین هستند.

آیت‌الله خامنه‌ای دو معیار اشتهاً و تواتر را شرط حجیت قرائات می‌داند، به نظر ایشان اگر قرائتی یکی از این دو شرط را نداشته باشد، کسی حق قرائت آن را در نماز ندارد، «بلکه وظیفه، همان قرائت معمول و مشهور است.» (خامنه‌ای/۵۲۰) ذیل آیه: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاُواهُمْ جَهَنَّمَ وَ بَنَسَ الْمَصِيرُ** (توبه/ ۷۳) به قرائت دیگری که مجمع البیان برطبق روایتی از اهل بیت(ع) برای آیه بیان نموده، اشاره می‌فرمایند و آن را به دلیل عدم اشتهاً و تواتر، ضعف سند روایت و

بیان است، ابراز تحدی و دریچه‌ای برای درک مفاهیم والای قرآن است. (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن کریم، ۱۳۹۵/۰۳/۱۸) ایشان اعجاز بیانی قرآن کریم را شامل اعجاز در لفظ (همان)، آهنگ ویژه قرآن (بیانات در جلسه بیست و پنجم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶) و سبک بیانی قرآن (خامنه‌ای، ص ۱۳۴) دانسته و معارف عمیق و تمام نشدنی قرآن (بیانات در جلسه بیست و پنجم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶)، طرح معارف انسان‌ساز (خامنه‌ای، ص ۱۱۱)، خبرها و وعده‌های قطعی قرآن (بیانات در دیدار اعضای شرکت‌کننده در مسابقات قرآن، ۱۳۹۰/۰۴/۱۴) و اعجاز علمی قرآن (درس خارج فقه، ۱۳۸۰/۱۰/۲۴) را از مصادیق اعجاز معنوی این کتاب آسمانی معرفی می‌کنند.

سید قطب نیز قرآن کریم را معجزه دانسته و آن را از صادر شده از سوی خداوند متعال می‌داند، ایشان پیوند میان ابتدا و انتهای سور و پیوند آنها با موضوع و غرض اصلی سوره را اعجاز قرآن می‌بیند که رساننده به مصدر اصلی قرآن است. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۵/۲۵۸۶) سید قطب قائل به اعجاز ادبی قرآن است و برای تبیین این نوع اعجاز از اصطلاح «الجمال الفنی» استفاده کرده است. (همان، ج ۱، ص ۸۰؛ ج ۳، ص ۱۲۹۷) وی ذیل آیهی «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/۳۴) به این حقیقت اشاره دارد که صرف خواندن نصوص قرآنی، قبل از بررسی وجوه اعجاز آن، اعجاز قرآن و ناتوانی انسان از ساختن متنی مثل قرآن قابل دریافت است. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۳۳۹۹/۶) علاوه بر آن سید قطب قائل به اعجاز بیانی نیز برای قرآن کریم است (همان: ۱۹۳۵/۵) و در تفسیر خود به صورت گسترده به آن پرداخته و انواع مختلف اعجاز بیانی قرآن کریم را با عنوان تصویر فنی در قرآن کریم بررسی می‌کند، همچنین به بررسی انواع مختلف اعجاز، چون اعجاز تأثیری، اعجاز موضوعی، اعجاز در منهج، اعجاز تشریعی و اعجاز حرکتی می‌پردازد. (ر.ک: سیاوشی: ۵۱۷-۵۰۴)

آیت‌الله خامنه‌ای و سید قطب، هر دو، قائل به اعجاز قرآن کریم هستند و تفاوت اعتقاد به انواع اعجاز از سوی دو مفسر تأثیر آشکاری در بیان و تفسیر آیات ندارد.

تحریف‌ناپذیری قرآن کریم

اعتقاد به تحریف یا عدم تحریف در آیات قرآن مبنایی است که جهت‌گیری تفسیر آیات را مشخص می‌کند، عدم تحریف قرآن بین مسلمانان اجماعی است. «مشهور بین مسلمانان آنست که تحریفی در قرآن رخ نداده است و کتابی که اکنون در دست داریم همانست که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده است. تعداد کثیری از بزرگان

شیعه صراحت این موضوع را تأیید کرده‌اند که از جمله آنان رئیس محدثان شیعه شیخ صدوق محمد بن بابویه است که عدم تحریف قرآن را از جمله معتقدات شیعه امامیه شمرده است. دیگر شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی است که در اول تفسیر «تبیان» هم باین مطلب تصریح نمود و هم آن را از استادش سید مرتضی علم‌الهدی نقل کرده و افزوده است که سید، با دلایل بسیار محکمی این مطلب را اثبات نموده است. دیگر از این بزرگان مفسر معروف شیعه، طبرسی (ره) می‌باشد که در مقدمه تفسیر «مجمع البیان» این موضوع را ذکر کرده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲/۲۵)

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است در قرآن کریم هیچ‌گونه تحریفی اعم از زیاده و نقصان وجود نداشته و نخواهد داشت و الفاظ و مضامین آن وحیانی و الهی است، آنچه که تحریف‌ناپذیری قرآن کریم را تضمین کرده است آیه ۹ سوره حجر می‌باشد. به نظر ایشان اگرچه حفظ قرآن در این آیه به اراده‌ی الهی پیوند خورده است، اما شرایطی نیز لازم دارد که از جمله‌ی آن شرایط، تلاش و حرکت مجاهدانه گروهی از مردم در حفظ قرآن کریم است.

سید قطب نیز مانند دیگر مفسران اهل سنت، معتقد است حتی واژه یا جمله‌ای در قرآن کریم تغییر و تبدل پیدا نکرده و تحریف نگشته است، او برای مدعای خود، صیانت قرآن از تحریف، دلایلی ارائه می‌دهد که از آن جمله می‌توان استناد او به آیه ۹ سوره حجر (سید قطب، ۱۴۰۶: ۲/۲۱۲۸)، اعجاز قرآن (همان: ۸۷/۱)، آیات ۲۶-۲۸ جن (همان: ۶/۳۷۳۸) اشاره نمود، همچنین ذیل آیهی لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت/۴۲) ورود باطل به قرآن را، درحالی که از سوی خداوند فرو فرستاده شده، با حق پیوند دارد و خداوند خود، حفاظت و مصونیت آن را برعهده گرفته است، غیرقابل قبول می‌داند (همان: ۳۱۲۷/۵) از مبانی مهم در تفسیر قرآن کریم، اعتقاد به عدم تحریف قرآن کریم است که مفسران شیعه و اهل سنت قائل به این مبنا هستند.

کارکرد روایات در تفسیر

در مکتب شیعه گروهی که مشهور به اخباری هستند و در اهل سنت نیز اهل حدیث، منابع دریافت از آیه و تفسیر و فهم آیه را منحصر در روایات می‌دانند، این گروه منکر نقش عقل و اجماع و قرآن هستند مگر در صورتی که متکی بر روایات بوده و بر مبنای روایات سخن بگویند؛ در مقابل این تفکر، اصولیین در شیعه و مشهور اهل سنت قرار دارند که قائل به حجیت عقل، سنت و اجماع هستند. (ر.ک: نجارزادگان: ۲۱-۵۰)

محروم ساخته است، از دیگر روایات صحیح نیز استفاده ننموده و همچنین به روایات ضعیف استناد کرده است.

مکی و مدنی

مبحث مکی یا مدنی بودن آیات، زیرمجموعه‌ی ترتیب نزول آیات قرار می‌گیرد و چون نمی‌توان به نتیجه‌ی قاطعی در مورد تقدیم و تأخیر نزول آیات دست یافت، مفسران و اندیشمندان قرآنی، معیار و ملاک‌هایی برای تشخیص سور مکی و مدنی در نظر گرفته‌اند. (سیاوشی، ۱۳۸۶) کارکرد اصلی تقسیم‌بندی سوره‌ها به مکی و مدنی فهم آیات و علم به اسباب نزول آیات است؛ مفسران روش‌هایی را برای کشف مکی یا مدنی بودن آیات مشخص کرده‌اند که شاخص‌ترین آنها، ملاک مکی یا مدنی بودن به اعتبار زمان نزول و مبتنی بر هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه می‌باشد، از سوی دیگر برخی مفسران آیاتی در سور مدنی را مکی و آیاتی در نیز در سور مکی، مدنی می‌دانند.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، ملاک در تعیین مکی یا مدنی بودن آیات، مقاطع شکل‌گیری حکومت اسلامی است؛ به نظر ایشان آیاتی که در دوران مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی نازل شده‌اند، مکی و آیاتی که در زمان تشکیل حکومت اسلامی و پس از آن نازل گشته‌اند، مدنی هستند، چرا که اهداف و مضامین آیات مکی و مدنی تفاوت‌هایی دارند که آن تفاوت‌ها به مسائل مبتلابه مسلمانان برمی‌گردد (تفسیر سوره مجادله: ۱۵)؛ آیات مکی با انذارها و تبشیرها درصدد غفلت‌زدایی از مخاطبان و یاری آنها برای مبارزه با شرک هستند (بیانات در دیدار جمعی از مدآحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳) در صورتی که آیات مدنی به مسائل مبتلابه جامعه از جمله عدالت، نفاق، حکومت، جهاد و موضع‌گیری در مقابل حکومت‌های طاغوتی می‌پردازند. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) نیز مبنای ایشان در مکی یا مدنی بودن تمامی آیات یا برخی آیات، تمامی آیات را شامل می‌گردد، برای نمونه ذیل آیه اول سوره توبه، روایاتی را که مبنی بر مکی بودن دو آیه از سوره هستند رد ننموده و همه سوره توبه را مدنی می‌دانند. (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۹۵)

تکیه‌گاه اصلی سید قطب در تبیین مکی یا مدنی بودن آیات، سیاق آیات است؛ او معتقد است مسئله‌ی اولیه‌ای که قرآن مکی به آن پرداخته، مسئله‌ی پی‌ریزی عقیده بوده که اساس آن نیز عبودیت و الوهیت است، به عقیده‌ی وی قرآن کریم سیزده سال از این مسئله فراتر نرفته مگر اینکه مرتبط با این مسئله باشد، تا در قلوب افراد جای بگیرد و آنها را برای عهده‌دار شدن ایجاد نظام موردنظر دین آماده کند. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۲/ ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵) به نظر او در گام

کاربرد روایات در تفاسیر رسیده از آیت‌الله خامنه‌ای در چند مورد نمود گسترده دارد: تأیید یکی از دیدگاه‌های تفسیری، توضیح معارف قرآنی با کمک روایات و به‌ویژه در مباحث مستقل، بیان شأن نزول آیات، مفهوم‌شناسی اصطلاحات قرآنی، تبیین مصداق واژه‌های قرآنی در عصر نزول، تحلیل روایات مربوط به فضایل سور(رک: خامنه‌ای، ص ۳۷) از مجموع موارد یادشده و بیانات ایشان در زمینه‌ی قرآن چنین برمی‌آید که ایشان قائل به استقلال قرآن در دلالت خود است و از معنای خود کشف می‌کند، فلذا رجوع صرف به روایات پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را نمی‌پذیرد، بلکه معتقد است برای درک بهتر روایات رجوع به قرآن، کارساز است. ایشان در تفسیر آیات، ابتدا با تدبر مفهومی در واژه‌ها و جملات قرآن آیه را تفسیر نموده و سپس روایات رسیده در باب مورد بحث را تحلیل نموده‌اند. (۱۳۸۹/۰۲/۱۳، درس خارج فقه) بنابر نظر ایشان، روایات به شرط عدم مخالفت با ظاهر قرآن، در مرتبه‌ی بعد از قرآن قرار می‌گیرند که مؤیدی بر تفاسیر صورت‌گرفته از آیات، دریافت مصداق آیات و تخصص و مقید آنها هستند. (خامنه‌ای، ۳۸۱-۳۸۲) برای نمونه ایشان در تفسیر آیه ۷۱ سوره توبه، برای تأیید دیدگاه خود در مورد ولی بودن مؤمنان نسبت به هم، به روایت «هُمْ يَدَّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۳) استشهد نموده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۶۴)

تمام منابعی که سید قطب در تفسیر خود از آن بهره گرفته است از منابع اهل سنت است؛ تفسیر غیرمستقیم در سایه‌ی روایات و تشویق مخاطب در جهت پذیرش مدلول آیات با استفاده از روایات، از مبانی مؤثر مفسر در تفسیر آیات است، برای مثال مفسر ذیل آیه‌ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه/۲) به روایتی از پیامبر اکرم(ص) درباره‌ی ثواب بی‌شمار حمدالهی، در جهت تشویق مخاطب، بهره می‌گیرد. (سید قطب: ۲۲/۱) همچنین سید قطب برای تفسیر آیات از روایات بهره‌ی مستقیم نمی‌گیرد، بلکه روایات را مؤیدی بر تفسیر خود و بیان مصداق آیات در نظر می‌گیرد. نقدی که در این زمینه بر سید قطب وارد نموده‌اند، دو گونه است، از سویی عدم ذکر روایات صحیح و از سوی دیگر، استفاده از روایات جعلی، ضعیف و مردود در تفسیر آیات است. (رک: سیاوشی، ۲۸۱)

اگرچه هر دو مفسر در نحوه‌ی به‌کارگیری روایات اشتراک دارند و روایات را اغلب، مؤیدی برای مطالب و تفاسیرشان قرار داده و استفاده نموده‌اند اما روایاتی که استفاده نموده‌اند اختلاف مبنایی با یکدیگر دارند، آیت‌الله خامنه‌ای در گزینش روایات احتیاط نموده و غیر از روایات رسیده از معصوم، به روایات دیگری استناد نمی‌نماید اما سید قطب علاوه بر اینکه تفسیرش را از روایات اهل بیت(ع)

از خود دور سازد تا حقایق از طریق قرآن در ذهن او جای گرفته و تفکرات او را شکل دهند. (همان: ۱۵۱۹/۳)

توجه به فضای نزول آیه و سبب نزول

در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای کشف فضای نزول از دو راه امکان‌پذیر است: اول: آگاهی از تاریخ عصر نزول که بخشی از آن در قالب شأن نزول قرار می‌گیرند و دوم فضای سخن که از راه تحلیل محتوای آیات قابل دسترسی است. (خامنه‌ای، ۲۵/۱۳۹۶)

در مقدمه تفسیر سوره براءت، فضای کلی نزول سوره به تفصیل بیان شده و پس از آن ذیل برخی آیات فضای نزول آنها تبیین گردیده است. علاوه بر آن ایشان فضای تاریخی- اجتماعی پیش از نزول آیه را نیز بررسی می‌کنند و در مواردی شرایط و فضای به‌وجود آمده پس از نزول را تبیین می‌نمایند. (همان: ۱۰۳-۱۰۱) برای نمونه بخشی از فضای پیش از نزول سوره براءت در بیان آیت‌الله خامنه‌ای، این‌گونه تصویر شده است: در سال هشتم، مکه به دست سپاهیان اسلام فتح شد، پس از آن پیامبر (ص) به امر خدا تصمیم بر پاکسازی شبه‌جزیره از لوث و شرک گرفت، چراکه لازمه‌ی دعوت اسلام داشتن پایگاه و مرکزیت است تا فرماندهی نموده و مبانی دین اسلام را به جهان برساند، از این‌رو پیامبر (ص) برخی از مسلمانان را برای انجام حج به مکه فرستاد و ابوبکر را امیرالحاج قرار داده و آیات نازل شده سوره براءت را به وی داد تا در مراسم حج و در ملاعام خوانده و به مشرکان برساند، ابوبکر به یکی از منازل بین مکه و مدینه رسیده بود که امیرالمؤمنین علی (ع) رسیده و فرمود: پیامبر (ص) فرموده آیات براءت را به من بده تا برده و بخوانم. (رک: همان: ۱۰۲-۱۰۱)

سید قطب در اکثر سوره‌ها شرایط مکانی، زمانی و وقایعی که به هنگام نزول سوره‌ها اتفاق افتاده را مورد توجه قرار می‌دهد و در بیشتر موارد محورهای و موضوعات هر سوره را با توجه به شرایط و فضای نزول استخراج می‌کند. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۳۸/۱) برای نمونه ذیل آیه‌ی «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران/۲۰) منظره‌ی پیامبر (ص) با مسیحیان نجران را یکی از مناسباتی می‌داند که نصوص قرآنی در مورد آن نازل شده و معتقد است چنین آیاتی از مبارزه‌ی همیشگی مسلمانان و کفار پرده برمی‌دارد. (همان: ۳۶۴/۱) البته وی ذیل آیاتی که در مورد اهل بیت (علیهم‌السلام) است از جمله آیه مباهله (آل عمران/۶۱) و آیه تطهیر (احزاب/۳۳) هیچ اشاره‌ای نداشته است، با اینکه در بسیاری از موارد شأن نزول‌ها را آورده است اما در

نخست باید جامعه‌ای به‌وجود بیاید که معتقد به حاکمیت الهی بوده و با حاکمیت غیر خدا مخالف باشد، هنگامی که چنین جامعه‌ای تحقق یافت، آنگاه به قانون و نظام اجتماعی نیاز پیدا می‌کند، در این صورت است که دین برای نظام اجتماعی قانون وضع می‌کند. (همان: ۲/۱۰۱۰) نظر سید قطب بر این است که هدف آیات در مکه پی‌ریزی عقیده و در مدینه که جهان‌بینی توحیدی افراد، پایدار شده بود، هدف آیات پی‌ریزی نظام اسلامی بود. (همان: ۳۴۸/۱ و ۳۴۹) وی در برخی سوره‌ها درباره‌ی مکی یا مدنی بودن سوره اظهار نظر نموده و برخلاف نظرات مشهور، استدلالاتی را برای نظر خود آورده است؛ برای نمونه در سوره هود که نظر بر مکی بودن برخی آیات و مدنی بودن برخی می‌باشد، بر سیاق کلی و موضوع سوره استدلال کرده و تمامی آیات سوره هود را مکی می‌داند. (همان: ۱۸۳۹/۴)

پرهیز از پیش دانسته‌ها توسط مفسر

مفسران طبق عقاید و پیش فرض‌هایی که دارند، گرایشاتی نیز در تفسیر پیش می‌گیرند که عبارتند از گرایشات فقهی، کلامی، ادبی، عرفانی و... . ممکن است مفسر طبق گرایشاتی که دارد، پیش‌دانسته‌هایی نیز داشته باشد و بخواهد آنها را بر آیات قرآن تحمیل کند و آیات را براساس موضوعات و مسائل مورد قبول خود تفسیر کند. به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای ضریب تفسیر به رأی در حوزه تفسیری که با تدبر همراه نباشد، بالاست. از این نظر در قرون متوالی تفاسیر متعدد از قرآن کریم به جامعه مسلمین عرضه شده است، هر مفسر از دیدگاه و بُعد خاص خود، آیات را تفسیر نموده است، فقهاء جنبه‌ی فقهی آیات قرآن را در نظر گرفته و فلاسفه جوانب حکمی و فلسفی را مدنظر قرار داده‌اند و هر گروه و دسته، به حسب رویکرد و بُعد خاص خود به قرآن روی آورده‌اند، و در این بین نیز برخی مفسران دچار خطا در فهم شده‌اند، خطای آنها در این بوده که به‌جای استفاده از آیات، ذهنیات خود را بر قرآن تحمیل نموده و در این مسیر، گاهی از ظواهر آیات نیز منحرف گشته‌اند، در نهایت این مسیر منتهی به تفسیر به رأی شده که بسیار خطرناک است. (بیانات در جلسه اول تفسیر سوره حمد، ۱۳۶۹/۱۲/۱۵)

دیدگاه سید قطب نیز بر این اساس مبتنی است، به عقیده وی در صورتی که با داشتن پیش‌فرض به سراغ آیات الهی برویم از دریافت شگفتی‌های قرآن بی‌نصیب خواهیم ماند، ولی اگر با این هدف و غرض به سمت قرآن کریم برویم که از دستورالعمل‌های آن برای زندگی آگاهی یابیم، آنچه می‌خواهیم از قرآن کریم دریافت خواهیم کرد. (سید قطب، ۱۴۰۶: ۲۶۱/۱) به نظر او شیوه‌ی صحیح در برخورد با آیات قرآن این است که مفسر هرگونه ذهنیت قبلی را

(همان، ۱۴۲۹/۳) سید قطب درک فضای تاریخی را کلید فهم برخی اصطلاحات قرآنی اعم از جهاد می‌داند. (همان، ۱۴۶۶/۳)

سید قطب برای بیان شأن نزول آیات، گاهاً از سیره پیامبر اکرم(ص) بهره می‌گیرد؛ اگرچه این روش خوبی برای تبیین فضای نزول آیات است اما به دلیل استفاده از روایات ضعیف و ناستوار، از اعتبار مباحث سید قطب کاسته می‌شود؛ برای مثال ذیل آیات اولیه‌ی سوره عبس با استناد به روایات ضعیف و نامتقن، پیامبر(ص) را به رفتاری سطحی و غیراخلاقی متهم می‌کند درحالی که نص صریح قرآن کریم، ایشان را به داشتن «خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴) وصف نموده است.

انتقادی که در زمینه استفاده از روایات جعلی توسط سید قطب در بخش بهره‌گیری از روایات بیان شد، در این مبنا نیز وارد است، چراکه بیان تاریخ و سیره با استفاده از روایات جعلی و تکیه بر آنها برای تفاسیر آیات، امری ناستوار و ضعیف است که تفسیر سید قطب متأثر از آن است، مسئله‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات تفسیری خود از آن پرهیز می‌نماید.

مبانی ادبی و لغوی

در تفاسیری که از آیت‌الله خامنه‌ای ارائه گردیده است؛ در موارد متعدد، توجه به مبانی ادبی و لغوی از سوی ایشان مشهود است، در موارد متعدد واژه‌های مشکل از سوی ایشان تحلیل مفهوم شده برای مثال در آیه‌ی «...وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳) در بیان معنی واژه‌ی بشارت، آن را خبری می‌داند که «اثر آن در بشره(پوست) انسان ظاهر می‌شود، نه اینکه معنایش مژده باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۱۳) در مواردی مطالب صرفی آیه بیان شده است، واژه‌ی اعراب را در آیه «وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذِنَ لَهُمْ» (توبه/۹۰) اسم جنس جمعی دانسته‌اند که مفرد آن اعرابی است نه عرب. (همان/۵۶۸) مفسر محترم گاه به قواعد نحوی اشاره نموده‌اند، برای نمونه در آیه «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ...» (توبه/۸۰) برخی روایات وارده را که بیان‌کننده تخییر در آیه است، فاسد و گمراه‌کننده خوانده و مراد از آیه را تساوی می‌دانند (همان/۵۴۷)؛ همچنین ایشان توجه به مباحث بلاغی کلام در آیات داشته و به نکات بلاغی مرتبط با تفسیر اشاره نموده‌اند، در آیه‌ی «اتَّقُوا اللَّهَ إِلَى الْأَرْضِ» (توبه/۳۸) دو معنا را برای عبارت احتمال داده و هر دو را نیز برای آیه پذیرفته‌اند: اول اینکه کنایه از دیرجینیدن باشد و دوم دل بستن به حیات مادی. (همان/۲۵۹)

سید قطب با تأثیر از مطالعات ادبی نوین و با استفاده از نظریه تصویرپردازی هنری، وجوه زیبایی‌شناسی قرآن کریم را مطرح کرده است. (سید قطب، ۱۴۱۵ق: ۳۷-۳۸) در تصویر فنی علاوه‌بر صور

آیاتی که مرتبط با اهل بیت(ع) هست، هیچ بحثی از شأن نزول نداشته است. در آیاتی که اشاره به شأن نزول داشته است، به روایات استناد می‌دهد و گاهاً جریان‌های تاریخی را ذکر می‌کند مثل: جریان تغییر قبله و... (همان: ۱۷۲/۱) از نظر او درک صحیح از نصوص قرآنی در فضای تاریخی قرآن و واقع‌نگری آنها در تعامل با واقعیات موجود حاصل می‌گردد. (همان: ۱۴۵۳/۳)

بیان فضیلت اهل بیت(ع) ذیل آیاتی که شأن نزول آنها درباره‌ی ایشان است توسط آیت‌الله خامنه‌ای و عدم ذکر فضیلت این بزرگواران و بیان فضائل جعلی دیگر صحابه توسط سید قطب، تفاوتی است که در این مبنای مشترکی که دو مفسر دارند، مشهود است و این تفاوت، جهت‌گیری‌های متفاوتی را در تفاسیرشان تصویر می‌کند.

کارکرد تاریخ و سیره

آگاهی از تاریخ صدر اسلام مفسر را برای تفسیر بهتر و فهم صحیح‌تر از آیه کمک می‌کند، وجه تمایز آگاهی از فضای نزول و کارکرد تاریخ در این است که آگاهی از تاریخ عصر نزول زیرمجموعه‌ی آگاهی از فضای نزول قرار دارد و یکی از وجوه آگاهی از فضای نزول است. ایشان برای تحلیل آیات از حوادث تاریخی و برای نقد آراء تفسیری، روایات و قرائات غیرمشهور به تاریخ صدراسلام استناد نموده‌اند، به‌عنوان نمونه ذیل آیه ۱۰۰ سوره براءت، با استناد به شواهد تاریخی که شبهات، خیانت‌ها و انگیزه آنها را برای جهاد بیان می‌دارد، عدم فضیلت و برتری آنها را اثبات و عدم رضایت خداوند تعال از برخی صحابه را عنوان می‌دارد. (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۶۳۶-۶۴۲) برخی براساس برخی روایات، قرائت غیرمشهوری از آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه/۷۳) به صورت «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ» بیان نموده‌اند، آیت‌الله خامنه‌ای دلایلی در رد این قرائت بیان می‌کنند که یکی از آنها استناد به تاریخ زندگی پیامبر(ص) است، به قول ایشان، شما در کجا در تاریخ دیده‌اید که پیامبر(ص) منافقان را به جنگ کفار برده باشد؟ پیامبر(ص) هیچ‌گاه منافقان را به جنگ نمی‌برد. (رک: همان: ۵۲۱-۵۲۰)

سید قطب تأکید می‌کند متون قرآنی باید در موقعیت ویژه‌ی تاریخی‌اش مطالعه نمود، وی در مقدمه هر سوره شأن نزول سوره و حوادث مهم قبل از آن را به تفصیل و گاهاً به اختصار بیان نموده است؛ وی در بیشتر سوره‌ها شرایط مکانی و زمانی نزول سوره‌ها را تبیین می‌کند و محور سوره‌ها را از همین طریق استخراج می‌کند. (سید قطب، ۱۴۲۲/۱؛ ۳۷/۱) در ابتدای سوره انفال، موضوع این سوره را حکم خدا درباره‌ی غنائم دانسته و با بیان حالات مسلمانان و کفار قبل و بعد از جنگ بدر، مسائل مرتبط با غنائم جنگی را بیان می‌دارد.

خیال، از جمله تشبیه، استعاره، تمثیل، مجاز و ...، از طریق هماهنگی و انسجام خاص موجود در ترکیب عبارات، گزینش واژه‌ها، موسیقی حاصل از انتخاب کلمات و حروف، فواصل آیات، سجع آیات، حذف و تقدیر، گفت‌وگوها و اسلوب‌های بیانی مانند: استفهام، ندا، تعجب، امر و نهی، ادوات تأکید و دیگر اسرار و لطایف بیانی، صورت می‌گیرد. (رک: سید قطب، ۱۴۱۵ق: ۳۶-۲۴۰)

چندمعنایی

چندمعنایی را این‌طور تعریف کرده‌اند: «مقصود از چندمعنایی آن است که یک لفظ یا یک عبارت در یک‌بار استعمال و در یک متن مشخص، مفید معنایی مشخص، مفید معنایی مختلف و متعدد باشد و بتوان همه آن معانی را مقصود گوینده به شمار آورد. (طیب حسینی، ۱۳۸۷: ۸۱) بسیاری از مفسران علم اصول، استعمال لفظ به‌صورت همزمان در چند معنا را محال می‌دانند و به نظر آنها این نوع استعمال، استحاله عقلی دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای اما گاهی یک عبارت را بر چند معنا حمل نموده‌اند، برای نمونه ذیل آیه ۱۷ سوره براءت، چهار معنا را برای آیه بیان می‌دارند و پس از آن عنوان می‌دارند که احتمال چندمعنایی در آیات به این معنا نیست که فقط یکی از احتمالات قابل قبول است، بلکه تمامی معانی مستفاد از آیه قابل استفاده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۵۶) البته به نظر ایشان، معانی متعدد در صورتی قابل حمل بر یک آیه است که با هم تنافی و تعارض نداشته باشند و بتوان بین آنها جمع کرد. (همان: ۵۸۶) ایشان همان‌طور که ترجیح یک معنا را بر معنای دیگر، در صورت وجود منافات بین معانی، می‌پذیرد، اصرار بر عدم امکان چندمعنایی را درست نمی‌دانند و ذیل تفسیر آیه «وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ» (توبه/۱۰۰) می‌گویند: «به نظر ما اشکالی ندارد که معذّر به دو معنا آمده باشد و استعمال شده باشد؛ لکن چنین استعمالی شاید از جهت دیگری اشکال داشته باشد و آن اینکه، آیه‌ی شریفه بنابر یک وجه، معنایی می‌دهد که با آن وجه دیگر قدری منافات دارد؛ لذا نمی‌توانیم هر دو معنا را برای لفظ معذّر فرض کنیم؛ بنابراین، فقط یکی از دو معنا برای معذّر درست است.» (همان: ۵۸۶)

سید قطب را نیز می‌توان معتقد به چندمعنایی دانست، وی ذیل آیه‌ی «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر/۱) معانی مختلفی برای کوثر بیان می‌کند که تمامی آنها را می‌توان به‌طور همزمان متناسب با آیه دانسته و معنای واژه در نظر گرفت، وی معنای کوثر را به نوعی فراوانی که مانعیت و قطعی ندارد معنی کرده که می‌تواند شامل خداوند متعال، نبوت پیامبر (ص)، قرآن کریم و حتی سوره‌ای از قرآن کریم باشد. (سید قطب: ۳۹۸۸/۶)

در اصل چندمعنایی هر دو مفسر اتفاق نظر دارند، اما در معنایی که از واژگان ارائه می‌دهند اختلاف نظر وجود دارد، و این مسئله بیشتر به مبانی اعتقادی این دو مفسر برمی‌گردد، چرا که سید قطب تأویل واژه‌ی کوثر به حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) را نپذیرفته درحالی که در بیان آیت‌الله خامنه‌ای «این خیر کثیری که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر مژده‌ی آن را به پیامبر اکرم داد و فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» که تأویل آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) است - درحقیقت مجمع همه‌ی خیراتی است که روزبه‌روز از سرچشمه‌ی دین نبوی، بر همه‌ی بشریت و بر همه‌ی خلائق فرو می‌ریزد.» (بیانات در سالروز میلاد حضرت زهرا سلام‌الله علیها ۱۳۷۰/۰۵/۱۰)

مبانی اختلافی آیت‌الله خامنه‌ای و سید قطب

اگرچه دو مفسر مورد بحث پژوهش حاضر، در مبانی اشتراکی بررسی شده، اختلافاتی نیز دارند و ذیل هرکدام از مبانی موارد اختلافی نیز بیان گردید، اما این دو مفسر در برخی از مبانی دیگر، اختلافاتی دارند که هیچ نوع اشتراکی بین آنها موجود نیست و این اختلاف مبانی از اختلاف عقاید و مذهب نشأت گرفته و در تفاسیر رسیده از ایشان اثرگذار بوده است:

حجیت یا عدم حجیت اقوال صحابه

حجیت قول صحابه متکی بر عدالت آنهاست، در صورتی که عدالت محرز نگردد حجیت اقوال ایشان نیز از بین می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای عدالت صحابه را مخالف اصول مسلم اسلام و آیات قرآن و در تعارض با عینیت تاریخ دانسته‌اند، عدم حجیت آراء صحابه از مبانی ایشان به‌خصوص در تفسیر مأثور است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۶) ایشان بر عدم حجیت اقوال صحابه تصریح نموده و بر حجیت اقوال ائمه معصومین (ع) تأکید دارند، ذیل آیه‌ی «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ» (توبه/۱۰۰) نظر بر عدم مطلق بودن معنای آیه دارند و آیه را محدود شده به «کسانی که تسلیم پروردگار باشند» می‌دانند، همچنین ذیل آیه در رد حجیت نظرات صحابه، ضمن اشاره به حدیث: «أَصْحَابِي كَالْجُورِ بِأَيِّهِمْ أَفْتَدَيْتُمْ أَهْتَدَيْتُمْ» (ابن‌حیون: ۸۶/۱) جنبه‌ی هدایت‌گری برای تمامی ستارگان را منتفی دانسته و در نتیجه عمومیت روایت را به تمامی اصحاب مخدوش می‌دانند. به نظر ایشان معنای رَضُوا عَنْهُ (توبه/۱۰۰) نه تنها به معنای رفتن به بهشت نیست، بلکه فضیلتی نیز برای آنها بیان نمی‌کند، معنای این عبارت به این معناست که آنها در مقابل خداوند متعال تسلیم هستند؛ مفسر گرامی ذیل این آیه دلایل

نسخ در آیات قرآن را مورد قبول تلقی نکرده و دلایلی نیز بر این نظر ارائه می‌دهد. (رک: خویی: ۲۸۴-۳۷۸؛ خطیب، عبدالکریم: ۱/۱۲۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در مقدمه سوره توبه، تفاوت آیات را در این سوره- که به اعتقاد برخی، نسخ شده‌اند- تغییر تاکتیک توسط پیامبر اکرم(ص) میدانند و این تغییر تاکتیک‌ها بدلیل شرایط و موقعیت‌های گوناگون و برای رسیدن به یک استراتژی واحد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۰۴ و ۱۰۵) به نظر ایشان «اگر کارهای پیامبر اکرم(ص) را حساب شده بدانیم، می‌فهمیم که کارهای ایشان از روی نقشه بود و یک استراتژی را دنبال می‌کرد؛ نه اینکه نسخ باشد.» (همان: ۱۰۵) «اختلاف شرایط، اختلاف احکام و اختلاف تکالیف را پیش می‌آورد.» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵) مفسر محترم نسخ را در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً» (مجادله/۱۲) پذیرفته و بیان میدارد «حکم تا وقتی لازم است که مسلمان‌ها به آن حکم احتیاج دارند، وقتی احتیاج نبود، حکم را خدای تعالی برمی‌دارد.» (خامنه‌ای: ۱۳/ ۸۹)

از مجموع سخنان ایشان چنین برداشت می‌شود که بنظر ایشان نسخ حیطه‌ی آیات احکام را دربرمی‌گیرد و آیاتی که دارای حکم نباشند، از دایره‌ی نسخ خارج هستند؛ همچنین بنظر می‌رسد نظر ایشان به «نسخ مشروط» نزدیک‌تر است تا «نسخ مطلق»؛ یعنی جاری بودن حکم آیه مشروط به وجود شرایط است، در صورت عدم وجود شرایط مدنظر آیه، حکم آیه قابلیت اجرایی ندارد.

سیدقطب قائل به نسخ برخی آیات قرآن کریم است، وی آیه‌ی «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (بقره/ ۱۰۶) را متعلق به بعضی از اوامر و تکالیف دانسته ولی آیه را خاص تغییر قبله می‌داند. (سیدقطب: ۱/۱۰۱) برای نمونه آیه ۱۸۴ سوره بقره را منسوخ دانسته و آیه ۱۸۵ سوره بقره را ناسخ آن می‌داند و ناسخ عبارت فلیصمه را فرمان افطار در آیه قبل میداند و دلیلی که اقامه می‌کند سخت بودن روزه در ابتدای تشریع می‌باشد. (سیدقطب، ۱۴۰۶: ۱/۲۳۰)

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده این را می‌رساند که هر دو مفسر در برخی مبانی تفسیری که اتخاذ نموده‌اند اختلاف مبنا دارند از جمله اینکه آیت‌الله خامنه‌ای همانند دیگر مفسران شیعه، قائل به عدم حجیت اقوال صحابه هستند، همچنین نسخ از دیدگاه ایشان تغییر تکنیک رسول اکرم(ص) برای رسیدن به استراتژی واحد است اما سید قطب مانند دیگر مفسران اهل سنت نسخ در برخی آیات قرآن را قبول

دیگری از جمله شک نمودن برخی صحابه در ساحت پیغمبر(ص)، ضرر رساندن و کم‌فایده بودن فتوحات سه خلیفه‌ی اول به اسلام اشاره به مستندات تاریخی در عدم رضایت الهی از صحابه نیز بیان نموده‌اند که نظر ایشان در عدم حجیت اقوال صحابه را می‌رساند. (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۶۴۲-۶۳۶)

ایشان با تکیه بر مستندات قرآنی، روایی و تاریخی عدالت صحابه را آن‌گونه که اهل سنت معتقدند، نفی نموده‌اند. همچنان‌که اقوال صحابه درنظر ایشان حجیت ندارد به طریق اولی اقوال تابعان نیز از حجیت برخوردار نیست.

سید قطب بیش از دیگران بر مقام علمی صحابه و تابعان تأکید دارد و از نظر او نقش صحابه در تفسیر بی‌نظیر است، بر همین اساس به‌صورت چشم‌گیری از اقوال و افعال صحابه در تفسیر استفاده کرده است. (رک: سید قطب، ۱۴۰۶: ۴۸/۱ و ۳۶۶۳/۶؛ ۳۷۶۸؛ ۲۴۳/۱) برای مثال در تفسیر آیه‌ی «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (انعام/۱۳۶) به نظر ابن عباس، قتاده، مجاهد، ابن جریر و سدی استناد می‌کند (همان: ۱۲۱۷/۳) او مراجعه به سنت و سیره را برای درک بهتر اسلام و اهداف آن ضروری می‌داند. (همان: ۱۴۹/۱)

نقدی که بر وی در زمینه به‌کارگیری روایات وارد است این است که اولاً در برخی موارد از روایات صحیح استفاده نکرده و در مواردی نیز از روایات ضعیف از جمله روایات جعلی در فضیلت صحابه، بهره برده است. (رک: سیاوشی، ۱۲، ش ۲) از سوی دیگر وی در ارائه اقوال و رفتار صحابه کاستی‌هایی داشته است، چرا که اولاً در بیان فضائل صحابه به‌خصوص عمر و ابوبکر زیاده‌روی نموده و فضائلی به آنها نسبت می‌دهد که خود آنها نیز منکر آن فضائل هستند، در ثانی از بیان فضائل کسانی که توسط پیامبر(ص) ستوده شده و آیات قرآن نیز در شأن آنها نازل گشته ابا نموده است؛ مسئله‌ی دیگری که در تفسیر فی ظلال القرآن نمود دارد معرفی صحابه و تابعان به‌عنوان الگو و مرجع فکری و عملی است که نوعی تحریف در دین مبین اسلام محسوب می‌گردد، چراکه پیامبر(ص) هیچ‌گاه صحابه و تابعین را الگوی مسلمانان معرفی ننموده است. (رک: سیاوشی، ۲۶۹-۲۶۶)

نسخ

در مورد نسخ در آیات قرآن کریم، اختلاف نظر وجود دارد، برخی از علماء اهل سنت و شیعه قائل به نسخ در برخی آیات قرآن کریم شده‌اند ولی برخی علمای فریقین از جمله آیت الله خویی، به غیر از یک مورد،

تمامی شئون نزول آیات را بیان داشته و از آنها برای تفسیر آیات استفاده می‌کند ولی سیدقطب در تمام آیاتی که در شأن و فضیلت اهل بیت(ع) نزول یافته، هیچ اشاره‌ای به شأن نزول این آیات ندارد اگرچه در دیگر آیات به شأن نزول اشاره می‌کند؛ علاوه بر آن وی برای تعیین غرض سوره از تاریخ و سیره استفاده می‌برد؛ همچنین هر دو مفسر مبانی ادبی و لغوی را برای تفسیر انتخاب نموده‌اند، اما آیت‌الله خامنه‌ای از این مبنا برای کشف مراد و مفهوم آیه استفاده کرده و سید قطب برای بیان وجوه زیبایی شناختی و تصویرپردازی هنری قرآن کریم از این مبنا استفاده کرده است.

References

- The Holy Quran
A group of authors, Familiarity with the Quran, Tehran, Amir Kabir, 4th, 2003
Al Tsvir al- fanni fi al Quran. Beirut, Dar al-Sharouq, 1994.
Ansari, Masoud, About Tafsir Fi Zilal, Baynat, Year 2, Issue 8
Ebrahimi, Zahra (2016), Comparative Study of Two Ancient Commentaries of Majma' al-Bayan and Contemporary Fi Zilal al-Quran: Case Study of Surahs Mudassar and Al-'Alaq, International Congress of Islamic Sciences, Humanities, Tehran, 2016
Harameli, Mohammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'ah, Qom, Aal al-Bayt (peace be upon him) Institute for the Revival of Heritage, 14.
Khamenei, Seyyed Ali (2017), Interpretation of Surah Mujadala, Tehran, Islamic Revolution Cultural Institute.
Khamenei, Seyyed Ali (2016), Interpretation of Surah Bara'at, Tehran: Islamic Revolution Cultural Institute.
Khatib, Abdul Karim, Al-Tafsir al-Qurani, Beirut, Dar al-Fikr al-Arabi, first, 2003.
Khoei, Abul-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Institute for the Revival of Imam al-Khoei's Works
Khorasani, Mohammad Kazem, Kifayat al-Asul, Qom, Aal al-Bayt (peace be upon him) Institute for the Revival of Heritage, 2009.
Mu'adab, Seyyed Reza, The Miracles of the Quran from the Perspective of the Ahlul Bayt (AS) and Twenty of the Great Scholars of Islam, Qom, Ahsan Al-Hadith, 2000.
Najarzadegan, Fathullah. An approach to interpretive schools (narrativeism, rationalism, and esotericism) 2010. 1st. Faculty of Principles of Religion.

کرده است؛ مبانی این دو مفسر در بیشتر موارد، مشترک است، اما در همین اشتراکات نیز اختلافات اساسی در نحوه‌ی به‌کارگیری مبانی دارند که اختلافات تفاسیر را نتیجه می‌دهد؛ آیت‌الله خامنه‌ای قرائات سبع را به شرط تواتر و اشتها قبول دارد ولی سید قطب شرطی برای پذیرش قرائات نداشته و تمامی قرائات را دارای حجت می‌داند؛ اگرچه هر دو مفسر از روایات به عنوان مؤیدات تفاسیرشان استفاده می‌کنند اما آیت‌الله خامنه‌ای با استدلال و بیان شواهد تاریخی، روایات وارده از صحابه را رد می‌کند و سید قطب نیز به دلیل گرایش اعتقادی خود از روایات ائمه معصومین(ع) بهره نمی‌گیرد؛ در بیان سبب نزول آیات، آیت‌الله خامنه‌ای بدون هیچ پیش‌داوری

- Najjarzadegan, Fathullah (2011), A Comparative Study of the Fundamentals of Interpretation of the Quran from the Perspective of the Sects, Qom, Institute of Seminary and University Research, 2nd, 2011
Paras, Forough; Karami, Atefe, Comparative study of some aesthetic aspects of Surah Maryam from the perspective of Zamakhshari and Seyyed Qutb, two quarterly scientific journals, Quranic Interpretation and Language Research, 2019, No. 14, pp. 151-166
Radmanesh, Seyyed Mohammad, Introduction to Quranic Sciences, Tehran, Ulum Novin/Jami, fourth, 1995.
Sayyid ibn Qutb (known as Sayyid Qutb), Fi Zilal al-Quran, Beirut, Dar al-Shoroq, volume 12, 1985.
Siyavshi, Karam (2007), A Study and Criticism of Narrative Interpretation in Fi Zillal Al-Quran, Hadith Sciences, Year 12, No. 2
Siyavshi, Karam (2007), The Meccan and Medinan Quran from the Perspective of Sayyid Qutb, Quranic Studies, 2007, No. 49 and 50, Special Issue on the Quran and Family.
Sobhaniyya, Mohammad (2014), An Essay on the Summarization of the Holy Quran, Interpretative Studies, fifth year, summer 1393, number 18
Tayyib Hosseini, Seyyed Mahmoud (2008), A Study of the Fundamentals of Multi-meaning Metatextuality in the Holy Quran", Pekhuset and Hawza Quarterly, Spring, No. 33, pp. 80-113
Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Tabiyan Fi Tafsir Al-Quran, Fifth, Beirut, Dar Ihya Al-Turat Al-Araby, No. 2.
www.khamenei.ir
www.wikifeqh.ir
www.hawzah.net